

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال پنجم، شماره (۱۴)، پاییز ۱۳۹۰

تاریخ دریافت: ۹۰/۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۰/۳/۲۵

صص ۱۴۲ - ۱۲۷

## تحلیل میزان هوش معنوی اعضای هیات علمی دانشگاه اصفهان و ارتباط آن با ویژگی‌های جمعیت شناختی

نصراله پورافکاری<sup>۱</sup>، بهزاد حکیمی‌نیا<sup>۲</sup>، مائده سادات رقیب<sup>۳</sup>

### چکیده:

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی میزان هوش معنوی اعضای هیات علمی دانشگاه اصفهان و ارتباط آن با متغیرهای جمعیت شناختی بوده است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل کلیه اعضای هیات علمی دانشگاه اصفهان در سال ۸۷-۸۸ است که از این تعداد ۱۵۰ نفر به عنوان نمونه با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها با استفاده از مقیاس سنجش هوش معنوی کینگ (SISRI-24) انجام شده است. داده‌های به دست آمده توسط نرم افزار SPSS-15 مورد تجزیه و

۱- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر (نویسنده مسؤول) n.poorafkari@gmail.com

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی دهقان

۳- کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه اصفهان

تحلیل آماری قرار گرفت. تحلیل داده‌ها نشان داد که بین متغیر مرتبه علمی با میزان هوش معنوی ارتباط معنی داری وجود ندارند و رابطه بین سن و سابقه خدمت با میزان هوش معنوی معنی دار بود. همچنین بین متغیر سابقه مدیریت با میزان هوش معنوی رابطه معنی داری یافت نشد. به طور کلی یافته‌ها نشانگر میزان هوش معنوی نسبتاً بالای اعضای هیات علمی دانشگاه اصفهان بود.

**واژه‌های کلیدی:** هوش، معنویت، هوش معنوی، اعضای هیات علمی.

## مقدمه

هوش مفهومی است که از دیر باز آدمی به تفحص و پژوهش در مورد ابعاد، ویژگی‌ها و انواع آن علاقمند بوده است. همواره پرسش‌هایی مانند هوش چیست؟ از کجا می‌آید؟ و چگونه رشد می‌کند؟ مطرح بوده است. یک تعریف ساده هوش را توانایی یادگیری، مجموعه دانش اطلاعات و توانایی سازگاری با محیط بیان می‌کند (آمرام<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). گاردنر<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) هوش را مجموعه توانایی‌هایی می‌داند که برای حل مسئله و ایجاد محصولات جدیدتر که در یک فرهنگ ارزشمند تلقی می‌شوند، به کار می‌رود. از نظر وی انواع نه‌گانه هوش عبارتند از: هوش زبانی، موسیقایی، منطقی، ریاضی، فضایی، بدنی، حرکتی، هوش‌های فردی (که شامل درون فردی و بین فردی می‌شود) هوش طبیعی و هوش وجودی که شامل ظرفیت مطرح نمودن سوالات وجودی است (به نقل از آمرام<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). گاردنر (۱۹۹۷) معتقد است که "افراد نه تنها می‌توانند هوش‌های چند گانه خود را تشخیص دهند، بلکه می‌توانند انواع هوش را با انعطاف پذیری و تأثیر بر نقش‌های انسانی که در جوامع مختلف خلق شده‌اند به کار بگیرند (ص ۴)". در طی دهه‌های اخیر صاحب‌نظران و نظریه پردازان تئوری‌های متفاوتی از

---

1 - Amram  
2 - Gardner  
3 - Amram

هوش مطرح نموده اند از جمله این تئوری‌ها انواع هوش مانند هوش عاطفی، عملی، اجتماعی و هوش معنوی را معرفی نموده اند.

اشتربرگ از سه نوع هوش شامل هوش تحصیلی، هوش خلاق و هوش عملی بحث می‌کند. او تلاش نمود تا توجه پژوهشگران توانایی‌های ذهنی را بیش تر به جنبه‌های خلاق و کاربردی هوش جلب کند (به نقل از غباری بنات و همکاران، ۱۳۸۷). در این بین یکی از ابعاد هوش تحت عنوان "هوش معنوی یا SQ"<sup>۱</sup> جزوه عرصه‌هایی است که تحقیقات چندان منسجم و نظامندی در جهت شناخت و تبیین ویژگی‌ها و مولفه‌هایی آن در حد و اندازه سایر انواع هوش صورت پذیرفته است. هوش معنوی تصور کامل هوش انسانی است که قادر است هشیاری یا احساس پیوند با یک قدرت برتر یا یک وجود مقدس را تسهیل کند یا افزایش دهد (زوهر و مارشال<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰). اگر سیر تکاملی زندگی را از هیولایی (تخیلی) به سمت نباتات، حیوان و هستی انسان در نظر بگیریم، شکل خاصی از هوش فراتر از یک فرایند تصادفی خالص می‌تواند هوش معنوی نامیده شود (وگان<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳). هوش معنوی به عنوان نمود هشیاری در درون آگاهی عمیق از جسم، ذهن، روح و روان پدیدار می‌شود (امنز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰).

هوش معنوی زیر بنای باورهای فرد و نقشی است که این باورها و ارزش‌ها در کنش‌هایی که فرد انجام می‌دهد و به زندگی خود شکل می‌دهد، ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، هوش معنوی به دلیل پیوندش با معنا، ارزش و تخیل می‌تواند به انسان توان تغییر و تحول دهد (صمدی، ۱۳۸۵). ویگلس ورث<sup>۵</sup> (۲۰۰۴) افراد با هوش معنوی بالا را اینگونه توصیف کرده است: انسان‌هایی دلسوز، مهربان، بخشنده، صلح جو، با جرات، درستکار، سخاوتمند، با ایمان، صادق، خردمند، امیدوار و امیدبخش که توانایی‌های بالقوه خودشان و دیگران را در نظر می‌گیرند.

- 
- 1 - Spiritual Intelligence
  - 2 - Zohar & Marshall
  - 3 - Vaughan
  - 4 - Emmons
  - 5 - Wigglesworth

در این پژوهش به خاطر اختلاف نظر درباره تعریف و مشخصات هوش معنوی سعی شده است از یک مدل معتبر برای سنجش هوش معنوی استفاده شود. این مدل در سال ۲۰۰۷ توسط کینگ<sup>۱</sup> ارائه شده و چندین بار مورد بازنگری قرار گرفته است. در مدل جاری هوش معنوی به عنوان مجموعه‌ای از توانایی‌های ذهنی منعطف که بر جنبه‌های غیر ذهنی و متعالی از واقعیت مبتنی است و با ماهیت وجودی یک فرد، معناداری شخصی، تعالی و حالت گسترش یافته معناداری مربوط است، تعریف شده است. مؤلفه‌های هوش معنوی از نظر کینگ (۲۰۰۸) شامل:

- تفکر وجودی انتقادی<sup>۲</sup>: توانایی برای اندیشیدن نقادانه راجع به موضوعاتی مانند معناداری، هدف، وجود فراتر از وجود (واقعیت، مرگ، هستی)، توانایی برای رویارویی با استنتاج‌ها یا فلسفه‌های اصیل وجود، همچنین توانایی برای اندیشیدن راجع به موضوعات غیر وجودی از یک دیدگاه وجودی
  - نتیجه معناداری شخصی<sup>۳</sup>: توانایی برای هدایت معناداری شخصی و اهداف در همه تجربیات مادی و فیزیکی و در برگیرنده توانایی خلق هدف برای زندگی.
  - هشیاری متعالی<sup>۴</sup>: توانایی برای شناخت ابعاد و قابلیت‌های متعالی از خود (تحول درونی و بیرونی) از دیگران و جهان مادی (کل نگری و غیر مادی گرایانه<sup>۵</sup>).
  - گسترش حالت هشیاری<sup>۶</sup>: توانایی برای ورود به مراحل سطح بالای معنوی: هوشیاری، شعور کیهانی، اتحاد، وحدت و یکپارچگی.
- هوش معنوی موضوع جالب و جدیدی است که نظر بسیاری از صاحب‌نظران و محققان را به خود جلب کرده است. از جمله این تحقیقات در سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ بر روی ۵۴۹۰ نفر از مردم سرتاسر جهان نشان داد که همبستگی قوی بین عملکرد هوش معنوی و سن افراد وجود دارد. این بدان معنا نیست که دستیابی به مهارت‌های هوش معنوی به صورت خود به خود و با

1 - King

2 - Critical Existential Thinking

3 - Personal Meaning Production

4 - Transcendental Awareness

5 - Non Materialism

6 - Conscious State Expansion

افزایش سن صورت می گیرد، بلکه گویای این مطلب است که افراد با افزایش سن می توانند مهارت‌های هوش معنوی را انتخاب کنند و فراگیرند. به عبارت دیگر با گذشت زمان و بالا رفتن سن، افراد می توانند به سطوح بالاتری از SQ دست یابند. همچنین نتایج تحقیقات نشان می دهد که زنان نسبت به مردان نمره بالاتری برای هوش معنوی دارند و مسیحیان و پروتستان‌ها نسبت به کاتولیک‌ها از SQ بالاتری برخوردارند و همینطور سفیدپوستان در مقایسه با نژادهای دیگر دارای نمرات بهتری بودند (ویگلز ورت، ۲۰۰۴).

پژوهش‌های مختلف نشان داده اند که میان هوش معنوی و هدف زندگی، رضایت از زندگی و سلامت همبستگی بالایی وجود دارد. زوهر و مارشال (۲۰۰۰) در بررسی تحقیقات انجام گرفته در مورد "اثرات معنویت بر سلامت فرد" دریافتند که معنویت با بیماری کمتر و طول عمر بیشتر همراه است و افرادی که دارای جهت گیری معنوی هستند، هنگام مواجهه با جراحی، به درمان، بهتر پاسخ می دهند و به شکل مناسب تری، با آسیب دیدگی و نقص عضو کنار می آیند.

همچنین شواهد نشان می دهند که تمرین‌های معنوی افزایش دهنده بعضی از ویژگی‌های فردی است که برای بهره گیری از هوش معنوی مفید هستند. این ویژگی‌ها عبارتند از خردمندی، تمامیت (کامل بودن)، دلسوزی، دیدگاه کل نگر داشتن، ذهن باز و انعطاف پذیری (مایر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰). کونیک و همکاران (۲۰۰۱) تحقیقی را بر روی ۶۰۳ بیمار سرطانی که تحت درمان و مراقبت ویژه قرار داشتند مورد مطالعه قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که افراد دارای هوش معنوی و اعتقادات مذهبی با بیماری خود بهتر کنار آمده بودند و رو شهای مقابله در آنها قوی تر از گروه‌های دیگر بود.

جورج<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان "استفاده علمی از هوش معنوی در محل کار" دریافت که مدیران با هوش معنوی بالا می توانند روش متفاوتی برای اداره کردن افراد و هدایت آنها اتخاذ کنند. او مشخصات مهم هوش معنوی را اطمینان فردی، تأثیرگذاری، برقراری ارتباطات، درک بین فردی، اداره تغییرات و حرکت از مسیرهای دشوار برشمرد. او

1 - Mayer

2 - George

معتقد است که استفاده از هوش عقلانی، منطق و تجزیه و تحلیل به منظور تصمیم‌گیری‌های مهم و همچنین به کارگیری هوش هیجانی به منظور درک و کنترل هیجانات و احساسات فردی و احساسات دیگران نیز الزامی است.

پریش<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) در مطالعه کیفی خود بر روی ۲۰ رهبر آموزشی، ۱۰ رهبر مذهبی و ۱۰ رهبر سیاسی برای تشخیص سبک‌های رهبری اثربخش دریافت که ۷۵ درصد از رهبران نفوذ معنویت را در همه فعالیت‌های کاری به علاوه رهبری حائز اهمیت می‌دانستند. البته ۲۵ درصد از رهبران نیز رهبریشان را مبتنی بر معنویت نمی‌دانستند.

دافی<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) برای درک صفات رهبران معنوی از افراد درباره ویژگی‌های رهبران و الگوهای برجسته معنوی آنها تحقیق کرده است. او دریافت که این ویژگی‌ها در بین گروه‌های مختلف مشابه است. این ویژگی‌ها شامل قدرت مقابله با سختی‌ها، دردها و شکست‌ها، خودآگاهی بالا، توانایی ایجاد فرصت از دشواری‌های زندگی، استواری و ایمان صرفنظر از شرایط، پرداختن به سجایای اخلاقی و اهمیت دادن به آنها و توانمند بودن در برخورداری و کنترل خویشتن است.

احمدی و کجباف (۱۳۸۷) در پژوهشی، نگرش معنوی دانشجویان دانشگاه اصفهان و ارتباط آن با برخی ویژگی‌های جمعیت شناختی را مورد بررسی قرار دادند. آنها دریافتند که دانشجویان نگرش‌های متفاوتی نسبت به معنویت و ارتباط آن با مذهب دارند. نتایج این پژوهش نشان داده است که بین نگرش معنوی و جنسیت ارتباط معنی‌داری وجود دارد. به عبارتی زنان نسبت به مردان از نگرش معنوی بالاتری برخوردارند. همچنین بین نگرش معنوی با سن، نمره پیشرفت تحصیلی، درآمد خانواده، گروه‌های مختلف تحصیلی و وضعیت تاهل رابطه معنی‌داری بدست نیامده است.

غباری بنات و همکاران (۱۳۸۴) به منظور سنجش تجربیات معنوی، مذهبی و عرفانی همچنین بررسی ارتباط بین معنا‌یابی، سلامت روان و تجربیات معنوی در گروه‌های مختلف جامعه، اقدام به طراحی و ساخت ابزاری معتبر به نام تجربه معنوی نمودند. آنان شش مولفه از

1 - Parish

2 - Duffy

جمله معناداری زندگی، تاثیر ارتباط با خدا، شکوفایی و فعالیت معنوی، تجربیات عرفانی، تجربیات سلبی و فعالیت‌های اجتماعی مذهبی را برای این مقیاس در نظر گرفته‌اند.

## روش

در این پژوهش، پژوهشگر درصدد بررسی میزان هوش معنوی اعضای هیات علمی دانشگاه اصفهان و ارتباط آن با متغیرهای جمعیت شناختی بوده است، بنابراین روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری پژوهش کلیه اعضای هیات علمی دانشگاه اصفهان بود که در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ شامل ۴۲۴ نفر بوده اند. تعیین حجم نمونه این پژوهش به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله‌ای انجام شد. برای انتخاب آزمودنی‌ها نخست از میان دانشکده‌های موجود، چهار دانشکده علوم تربیتی، ادبیات، فنی و مهندسی و علوم به تصادف انتخاب شدند. در مرحله بعد از بین اعضای هیات علمی ۱۵۰ نفر که شامل ۹۰ مرد و ۶۰ زن بودند، به تصادف برگزیده شدند. داده‌ها توسط نرم افزار آماری SPSS-15 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### ابزار گردآوری داده‌ها: مقیاس خودارزیابی هوش معنوی (SISRI-24)<sup>1</sup>:

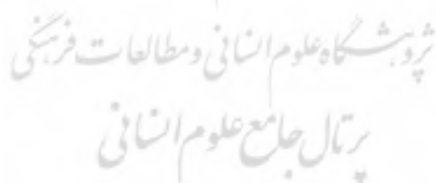
برای گردآوری داده‌ها مقیاس خودارزیابی هوش معنوی (SISRI-24) به کار برده شد. این مقیاس یک ابزار اندازه گیری مربوط به سنجش هوش معنوی با چهار زیر مقیاس شامل تفکر وجودی انتقادی، ایجاد معناداری شخصی، هشیاری متعالی و گسترش هشیاری متعالی است. هر کدام از زیر مقیاس‌ها به ترتیب دارای ۵، ۷، ۵، ۷ گویه می باشند، به طور کلی این مقیاس دارای ۲۴ گویه است. آزمودنی‌ها پاسخ خود را به هر گویه بر روی یک پیوستار (۰= نظری ندارم، ۱= درست نیست، ۲= تا حدی درست، ۳= خیلی درست، ۴= کاملاً درست) رتبه بندی نمودند. بدین ترتیب نمره این مقیاس می تواند بین ۰ تا ۹۶ در نوسان باشد، که نمره بالا نشان دهنده میزان بالای هوش معنوی در افراد است.

کینگ (۲۰۰۷) به منظور سنجش روایی، این مقیاس را با چندین پرسشنامه معتبر از جمله مقیاس خود تفسیری فرا شخصی<sup>۱</sup>، مقیاس عرفان<sup>۲</sup> و مقیاس دینداری درونی و بیرونی<sup>۳</sup> مورد مقایسه قرار گرفته داده است و ضریب همبستگی آنها را به ترتیب ۰/۶۷، ۰/۶۳ و ۰/۵۸ به دست آورده است. پایایی این مقیاس نیز در مطالعات کینگ بر روی ۶۱۹ نفر از دانشجویان دانشگاه ترنت کانادا در سال ۲۰۰۷ بر اساس ضریب آلفا ۰/۹۵ گزارش شده است و آلفای زیر مقیاس های آن از جمله تفکر وجودی انتقادی ۰/۸۸، ایجاد معناداری شخصی ۰/۸۷، هشیاری متعالی ۰/۸۹ و گسترش هشیاری متعالی ۰/۹۴ بیان شده است.

این مقیاس در جامعه ایرانی توسط رقیب و همکاران مورد اعتبار یابی قرار گرفته و ضریب همبستگی این مقیاس با مقیاس تجربه معنوی غباری بناب ۰/۶۶ بدست آمده است. همچنین ضریب آلفای کرونباخ آن در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان ۰/۸۶ بدست آمده است.

### یافته های تحقیق

یافته ها نشان داد که ۶۳/۶ درصد اعضای هیات علمی دارای مرتبه علمی استادیار، ۳۳/۳ درصد آنها دارای مرتبه علمی دانشیاری و فقط ۰/۳ درصد آنها دارای مرتبه علمی استادی بودند.



1 - Metapersonal Self-Construal Scale (MSC; DeCicco & Stroink, 2003)  
2 - Mysticism Scale – Research Form D (MSD; Hood, 2000)  
3 - Age Universal Intrinsic-Extrinsic Religiosity Scale (AUIE; Gorsuch & Venable, 1999)



## جدول ۱- میانگین و انحراف معیار میزان هوش معنوی اعضای هیات علمی و مولفه‌های آن

مؤلفه‌ها	تعداد گونه‌ها	کمترین	بیشترین	دامنه تغییرات	میانگین	انحراف معیار
۱- تفکر وجودی انتقادی	۷	۹	۲۸	۱۹	۲۰	۴/۱۱
۲- ایجاد معناداری شخصی	۵	۶	۱۹	۱۳	۱۴	۳/۱۷
۳- هشیاری متعالی	۷	۵	۲۸	۲۳	۱۸	۵/۰۹
۴- گسترش حالت هشیاری	۵	۶	۲۰	۱۴	۱۵	۳/۳۹
نمره کل مقیاس هوش معنوی	۲۴	۲۶	۹۴	۶۸	۶۴	۱۳/۹۷

همانگونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین و انحراف معیار نمره کل هوش معنوی اعضای هیات علمی به ترتیب ۶۴ و ۱۳/۹۷ است. همچنین مولفه تفکر وجودی انتقادی و ایجاد معناداری شخصی به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میانگین هستند. برای بررسی ارتباط میزان هوش معنوی اعضای هیات علمی با متغیر سن از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۲ مشخص شده است.

## جدول (۲) - ضریب همبستگی بین مولفه‌های هوش معنوی با متغیر سن

نمره هوش معنوی	تفکر وجودی انتقادی	ایجاد معنا داری شخصی	هشیاری متعالی	گسترش حالت هشیاری	سن
۰/۳۵۲*	۰/۲۸۴	۰/۴۳۷*	۰/۳۲۸	۰/۲۱۳	
۰/۰۴۴	۰/۱۱	۰/۰۱۱	۰/۰۶۲	۰/۲۳۵	P

نتایج حاصل از جدول (۲) نشان می‌دهد که، ضریب همبستگی بین نمره هوش معنوی با سن ( $r=0/352$ ) است، که در سطح  $p < 0/05$  معنادار است. همچنین ضریب همبستگی بین مولفه ایجاد معناداری شخصی و سن رابطه معنی داری را نشان می‌دهد.

### جدول (۳) - ضریب همبستگی بین مولفه‌های هوش معنوی با متغیر سابقه خدمت

گسترش حالت هشیاری	هشیاری متعالی	ایجاد معنا داری شخصی	تفکر وجودی انتقادی	نمره هوش معنوی		
0/543**	0/524**	0/485*	0/465*	0/568**	r	سابقه
0/001	0/002	0/004	0/006	0/001	P	خدمت

جدول (۳) رابطه بین مولفه‌های هوش معنوی با متغیر سابقه خدمت را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی بین هوش معنوی با سابقه خدمت ( $r=0/568$ ) می‌باشد، که در سطح  $P < 0/01$  معنادار است. همچنین ضریب همبستگی بین سابقه خدمت و همه مولفه‌های هوش معنوی رابطه معناداری را نشان می‌دهد. بالاترین ضریب همبستگی بین مولفه گسترش حالت هشیاری با سابقه خدمت ( $r=0/543$ ) است، که در سطح  $P < 0/01$  معنادار است.

### جدول (۴) - ضریب همبستگی بین مولفه‌های هوش معنوی با متغیر سابقه مدیریت

گسترش حالت هشیاری	هشیاری متعالی	ایجاد معناداری شخصی	تفکر وجودی انتقادی	نمره هوش معنوی		
0/415*	0/264	0/281	0/172	0/31	r	سابقه
0/016	0/138	0/113	0/337	0/079	P	مدیریت

همانگونه که جدول (۴) نشان می‌دهد، ضریب همبستگی بین نمره هوش معنوی با سابقه مدیریت ( $r=0/31$ ) می‌باشد، که رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد. تنها ضریب همبستگی بین

مولفه گسترش حالت هشجاری و سابقه مدیریت ( $t=0/415$ ) است، که در سطح  $0/05 < p$  معنادار است.

### جدول (۵) رگرسیون چند گانه بین متغیرهای جمعیت شناختی با نمره هوش معنوی

sig	t	SD	Beta	F	میانگین مجذورات	R <sup>2</sup>	R	
0/913	0/111	0/418	0/022	4/623	674/081	0/324	0/569	متغیر پیش بین: سن
0/009	2/782	0/437	0/549					سابقه خدمت
0/95	0/063	0/106	0/012					سابقه مدیریت
								متغیر ملاک: هوش معنوی

در نتایج جدول (۵) مقدار ضرایب همبستگی چند گانه بین سه عامل پیش بین و متغیر ملاک هوش معنوی برابر با  $0/569$  است و مقدار ضریب تعیین برابر با  $0/324$  است. به عبارتی  $0/32$  درصد از تغییرات متغیر ملاک توسط این سه عامل تبیین می گردد که از این سه عامل، سابقه خدمت با بتای  $0/549$  بیشترین سهم را در تبیین نمره هوش معنوی دارد.

### بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی میزان هوش معنوی اعضای هیات علمی دانشگاه اصفهان و ارتباط آن با متغیرهای جمعیت شناختی بوده است. در راستای پرسش اول، مبنی بر بررسی میزان هوش معنوی اعضای هیات علمی دانشگاه اصفهان، نتایج بدست آمده بیانگر آن است که اعضای هیات علمی از میزان هوش معنوی نسبتاً بالایی برخوردارند، به طوری که میانگین نمره هوش معنوی آنان بصورت کلی و در هر یک از مولفه‌ها آن نزدیک به حداکثر نمره در مقیاس هوش معنوی کینگ بوده است.

در راستای سؤال دوم تحقیق مبنی بر بررسی ارتباط میزان هوش معنوی اعضای هیات علمی با متغیرهای جمعیت شناختی، نتایج بدست آمده نشان می دهند که ضریب همبستگی بین

هوش معنوی با سن رابطه معنی داری دارد. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش ویگلوس ورت (۲۰۰۴) در وجود ارتباط معنی داری بین سن و میزان هوش معنوی همسو است. نتایج پژوهش بیانگر آن هست که افراد با افزایش سن بیشتر به دنبال مهارت‌های هوش معنوی می‌روند و در راستای رشد و پرورش آن آگاهانه یا غیر آگاهانه قدم بر می‌دارند. فری<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) نیز در مطالعه خود بر روی نظریه رهبری معنوی از رشد فردی سخن به میان می‌آورد و واکنش‌های یک رهبر ۳۵ ساله را با رهبر ۶۰ ساله مقایسه می‌کند. او بر این عقیده است که افراد در سلسله مراتب سازمان به صورت متفاوت رشد می‌کنند و رهبری معنوی در سطوح متفاوت سازمان، مشابه نیست.

همچنین ضریب همبستگی بین مولفه ایجاد معناداری شخصی با سن ( $r = 0/437$ ) است که در سطح  $P < 0/05$  معنی دار است. می‌توان گفت انسان با افزایش سن، زندگی معنادارتری را تجربه می‌کند و همانگونه که کینگ (۲۰۰۷) معتقد است، توانایی برای استنباط معناداری و هدف در همه تجربیات مادی و معنوی زندگی را دارا می‌شود.

نتایج حاصل نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین میزان هوش معنوی اعضای هیات علمی با سابقه خدمت ( $r = 0/568$ ) است، که در سطح  $P < 0/01$  معنی دار است. در این مطالعه افرادی که دارای سابقه خدمت بیشتری بودند به صورت قابل توجهی در همه مولفه‌های هوش معنوی نسبت به افراد دیگر از هوش معنوی بالاتری برخوردار بودند. این یافته تحقیق می‌تواند نشانگر فرصت‌های رشد هوش معنوی در محیط دانشگاه باشد، که مدیران توانسته‌اند به آن دست یابند. این یافته با تحقیق جورج (۲۰۰۶) در مطالعه معنویت در محیط کار همسو است. وی معتقد است معنویت در سازمان چهارچوبی از نمود ارزش‌ها در فرهنگ سازمانی است که تجربه‌ای از تعالی یافتن در جریان کار و احساس یکپارچگی با دیگران، در راهی از تمامیت و کمال را فراهم می‌سازد. اعتقاد بر این است که معنویت در افزایش یادگیری سازمانی، اتحاد و ساخت گروه‌های سازمانی، ایجاد نیاز برای ارتباط با دیگران در کار موثر است.

کاچیو<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) بیان می کند که کارمندان در سازمان های معنوی، خلاق تر، درستکار تر، شجاع تر، منعطف تر و موجودات انسانی دلسوز و مهربانی هستند. وی استنتاج می کند که معنویت در سازمان فقط برای شغل و انجام وظیفه خوب نیست. بلکه تنها روشی است که موجب موفقیت رهبران و سازمانها می گردد. کینگ و نیکل<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) با استفاده از نظریه های سازمانی بیان می کنند که افرادی که متناسب با استعداد بالقوه شان در نقش هایشان جای گرفته اند، ظرفیت و استعداد کاملی را به دست می آورند، لذا جستجوی معنوی شان را تکمیل می کنند. به علاوه این رشد سلامتی و کارایی سازمان در نتیجه سطح جدید معنویت را بالا می برد. ادعا کردند که ارزش ها و نگرش های معنوی نه تنها اثری مثبت بر روی زندگی فردی فرد دارد بلکه به کارایی شغلی افراد هم موثر است و در نتیجه اثر بخشی سازمان را نیز ارتقا می دهد.

بین هوش معنوی با سابقه مدیریت رابطه معنی داری به دست نیامد. البته به نظر می رسد که بین این متغیر و هوش معنوی ارتباط معنی داری وجود داشته باشد. شاید یکی از علت های این امر در مطالعه حاضر دامنه سابقه مدیریت از ۱ تا ۱۲ بوده و میانگین آن ۴ سال بیان شده است، لذا دامنه سابقه مدیریت در حد محدودی است و معمولاً توانایی ها در این دامنه به صورت معنی داری قابل تغییر نیست. برای بررسی بهتر پیشنهاد می شود که در دیگر دانشگاه ها نیز این مقیاس مورد مطالعه قرار گیرد و یا اینکه در بین مدیران سازمان های با سابقه مورد بررسی قرار گیرند.

## منابع

احمدی، سید جعفر و کججاف، محمد باقر. (۱۳۸۷) بررسی نگرش معنوی دانشجویان دانشگاه اصفهان و ارتباط با برخی ویژگیهای جمعیت شناختی. چاپ نشده.

صمدی، پروین. (۱۳۸۵). هوش معنوی. اندیشه های نوین تربیتی. ۲، (۳ و ۴)، ۹۹-۱۱۴.

1 - Cacioppe

2 - King & Nicol

غباری بناب، باقر. سلیمی، محمد و همکاران. (۱۳۸۴). هوش معنوی. فصلنامه علمی و پژوهشی

اندیشه نوین تربیتی، سال سوم، شماره دهم، ص ۱۳۷-۱۳۵.

- Amram, Y. (2005), *Intelligence beyond IQ: The contribution of emotional and Spiritual Intelligence to effective bussiness leadership*. Institute of Transpersonal psychology.
- Cacioppe, R. (2000). Creating spirit at work: Re-visioning organization development and leadership—Part II. *Leadership and Organization Development Journal*, 21(2), 110–119.
- Duffy, R.D. (2005) The relationship between spirituality, religiousness and adaptability. *Journal of Vocational Behavior*, 67, (3), 429-40.
- Emmons, R.A. (2000). Is spirituality an intelligence? Motivation, cognition and the psychology of ultimate concern. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 10(1), 3-26.
- Fry, L. W. (2003). Toward a theory of spiritual leadership. *The Leadership Quarterly*, 14(6), 693–728.
- Gardner, H. (1997). Multiple Intelligence as a partner in school improvement. *Education Leadership*, 55(1), 20-21.
- Gardner, T. (2002) *Towards Sustainable Development in Higher Education – Reflections*, Ministry of Education, Retrieved from internet: <http://www.minedu.fi/OPM/>.
- George, M. (2006). Practical application of spiritual intelligence in the workplace. *Human Resource Management International, Digest Journal*, 14(5), 3-5.
- King, D.B. & Nicol, R.J. (2001). Positive Affect and the Experience of Meaning in Life. *Journal of Personality and Social Psychology*, 2006, Vol. 90, No. 1, 179-196.
- King, D.B. (2007). *The Spiritual Intelligence Project*. Trent University, Canada. Retrieved from internet: [www.dbking.net](http://www.dbking.net).
- Mayer, J.D. (2000). Spiritual Intelligence or Spiritual consciousness? *the international Journal for the psychology of religion*, 10(1), 47-56.
- Parish, J. (1999). Women in education: Effective leadership styles as inspired by spirituality. *Dissertation Abstracts International*, University of La Verne, CA.
- Vaughan, F. (2003). What Is Spiritual Intelligence?. *Journal of humanistic psychology*, 42, (2) 32-45.
- Wigglesworth, Cindy. (2000). *Integral Spiritual Intelligence: 21 skills in 4 quadrants*. Retrieved from internet: <http://www.innerworkspublishing.com>
- Wigglesworth, C. (2004). *Spiritual intelligence and why it matters*. Retrieved from internet: [www.consciouspursuits.com](http://www.consciouspursuits.com).

Zohra , D. & Marshall, I.(2000).*SQ:spirit all intelligence the ultimate intelligence*. London: Bloombury.

Zohar ,D, Marshall, Ian.(2000). *SQ:Connecting with Our Spiritual Intelligence*. USA: Bloomsbury.





شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتمال جامع علوم انسانی